

نفت، انتقال انرژی و امنیت در آسیای مرکزی

مقدمه:

منطقه آسیای مرکزی، یادآور جوامع مختلف ساکن در این نقطه است. تاریخ اخیر این منطقه، موضوعات مربوط به نفت، اوضاع اقتصادی اجتماعی و امنیت آن همگی از عوامل شکل دهنده این منطقه می باشند.

کشورهای واقع در آسیای مرکزی در وضعیت بین المللی، دستخوش تغییر و تحول چندگانه ای گردیده اند که شامل تغییرات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دولتی است. ولی با وجود این تغییرات، کشورهای منطقه پیچیدگی های خاص خود را دارند. کشورهای آسیای مرکزی که عبارتند از قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان،

در فضای بین المللی جدید دچار تحولاتی شده اند که هر یک از رهبران کشورهای جدید، تدابیر و راهبرد خاص خود را دنبال می کنند و سیاست داخلی و خارجی آنها مبتنی بر دیدگاههای رهبران می باشد.

به عنوان مثال در ترکمنستان، سیاست خارجی مبتنی بر «بیطرفی دائمی» است. در قزاقستان، سیاست خارجی مبتنی بر مشارکتهای منطقه ای و جهانی و یافتن مسیرهای جدید صادراتی برای نفت و ذخایر فراوان آن کشور است.

در این میان قرقیزستان از نظر انجام اصلاحات اقتصادی، پیشرفته ترین کشور منطقه است و با وجود نفوذ ایالات متحده در این کشور، سیاست خارجی قرقیزستان هنوز تحت تأثیر زیاد روسیه می باشد.

مؤلف: سالی. ن. کامینگز Sally.N. Cummings ترجمه و تلخیص: علی مراد خدادادی ناشر: رونلج

در انگلستان Routledge سال نشر: ۲۰۰۳ تعداد صفحه: ۲۷۴

بافت و ساختار رژیمهای پنج کشورهای آسیای مرکزی تفاوتهای عمده ای با یکدیگر دارند.

کشورهای مزبور همواره درصدد تحکیم حاکمیت خود از طریق انجام اصلاحات نظامی داخلی و همکاریهای نظامی منطقه ای بوده اند.

این کتاب، چکیده و نتیجه کنفرانس دسامبر سال ۲۰۰۱ م است که در آن موضوعات بسیار زیادی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

این کنفرانس قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر برگزار شد و در آن متفکرین و صاحب نظران عمده ای از کشور های مختلف شرکت داشتند که هر یک از آنان در جنبه ای از منطقه آسیای مرکزی متخصص بودند.

عمده مطالب کتاب، بررسی تحلیلی از اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی کشورهای تشکیل دهنده آسیای مرکزی است.

در بخشی از کتاب، تحت عنوان ترکمنستان مستقل، نویسنده به این امر اشاره می کند که منابع در آمد ترکمنستان عبارتند از نفت و گاز و ساختار حکومتی آن استبدادی است که بیشتر شبیه به حکومت های سلطنتی است. عمده ترین تحولاتی که در ترکمنستان صورت گرفته در راستای تحکیم رژیم آن کشور بوده است.

آزادی بیان در این کشور بشدت محدود است و دولت رسانه های عمومی را کنترل می کند. در حال حاضر هیچ حزب سیاسی در این کشور وجود ندارد. ساختار اجتماعی ترکمنستان بیشتر شبیه به یک فدراسیون قبیله ای است و نه یک کشور مدرن. هم اکنون سی قبیله در ترکمنستان زندگی می کنند. شورای خلق تنها مجمع قانونگذاری است؛ که در واقع مجری فرمانهای رئیس جمهوری بوده، دستورهای وی را در قالب قوانینی تدوین می کند.

اقتصاد ترکمنستان، وابسته به ذخایر نفت و گاز است. نکته جالب توجه این است که پس از گذشت بیش از یک دهه از استقلال ترکمنستان، این کشور برای صادرات گاز طبیعی خود به فدراسیون روسیه متکی است.

به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ترکمنستان همچنان موضع بیطرفی خود در سیاست خارجی حفظ کرد. در این میان ترکمنستان، تنها کشور آسیای مرکزی بود که هیچ گونه پایگاه هوایی در اختیار آمریکا (برای اجرای عملیاتهای نظامی علیه طالبان در افغانستان) قرار نداد همچنین اجازه استقرار نیروهای نظامی در خاک خود را ندارد.

سیاست بیطرفی ترکمنستان، با هدف تقویت حاکمیت کشور و فراهم آوردن زمینه برای

فروش گاز طبیعی خود به نقاط مختلف است.

در بخش دیگری از کتاب، تحت عنوان «قزاقستان مستقل» نویسنده به موقعیت جغرافیایی این کشور اشاره می کند که مابین دو قدرت بزرگ منطقه ای یعنی چین و روسیه قرار دارد و سپس به وجود ذخایر مواد خام زیاد قزاقستان اشاره می کند که آن کشور را مجبور ساخته تا درصدد یافتن شرکای منطقه ای و جهانی باشد. سیاست خارجی قزاقستان نیز تحت تاثیر مسیرهای جدید صادرات نفت آن کشور قرار گرفته و نویسنده به بررسی مختصری روشی که روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و خارجی آن کشور در این اولویتها تاثیر گذارند، پرداخته است.

بنا به نظر نویسنده، جمعیت قزاقستان از اقوام روسی، اکرایی، و قزاق تشکیل یافته است. رئیس جمهور در کشور بالاترین قدرت است و دولت کنترل قابل ملاحظه ای بر روی رسانه های جمعی دارد.

منتقدین دولت تحت تاثیر شدیدترین برخوردها قرار می گیرند. رژیم سیاسی حاکم بر کشور، به بهانه ضرورت حفظ ثبات، هرگونه حاکمیت استبدادی را توجیه می کند. اقتصاد قزاقستان وابسته به نفت، گاز و بخشهای فلزات است.

در سال ۱۹۹۰، قزاقستان اولین جمهوری آسیای مرکزی بود که برنامه خصوصی سازی اقتصاد را مطرح کرد. در همین راستا، دولت شرکتهای زیادی را به پیمانکاران خارجی واگذار کرد و در برخی موارد پیمانکاران به خرید بخشی از شرکتهای مجاز گشتند که اینک شرکت سامسونگ کره جنوبی، سهامدار عمده در قزاقستان است.

این در حالی است که منتقدان اقتصادی براین عقیده اند که تنها درصد کمی از جمعیت قزاقستان از درآمدهای مواد خام این کشور بهره مند می شوند. رهبری قزاقستان، بافت کشور را اروپایی - آسیایی می داند و آن را مستقل بیطرف اعلام کرده که هیچ گاه به کشوری حمله نمی کند.

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، حضور آمریکا در منطقه افزایش یافت. اما با وجود گسترش روابط با آمریکا، سیاست خارجی قزاقستان هنوز تحت تاثیر روسیه قرار دارد. با این حال، به منظور مقابله با تهدیدات امنیتی، قزاقستان به عضویت پیمانهای منطقه ای نظیر پیمان شانگهای پیوسته است.

در قسمت دیگری از کتاب، تحت عنوان قرقیزستان مستقل، نویسنده به بررسی یکی دیگر از کشورهای آسیای مرکزی پرداخته و وی معتقد است که از میان کشورهای آسیای مرکزی،

بیشترین اصلاحات در قرقیزستان صورت پذیرفته، به طوری که تجارت خارجی در این کشور آزاد گردیده، خصوصی سازی در حد زیادی پیشرفت داشته، سیستم مالی تقویت گردیده و اصلاحات بخش دولتی در حد زیادی دنبال شده است؛ اما کیفیت اصلاحات در حد ایده آل نیست و اقتصاد کشور در مقابل شوک‌های خارجی آسیب پذیر است. موضوع فقر نیز مشکل جدی قرقیزستان است و در آمد سرانه این کشور معادل در آمد سرانه در کشورهای سنگال و یا پاکستان است.

نیمی از نیروی کار کشور در جامعه روستایی و کشاورزی حضور دارند. تحولات اقتصادی و اصلاحات در این بخش از ویژگیهای عمده قرقیزستان، از زمان استقلال آن کشور در سال ۱۹۹۱ محسوب می شود؛ با این حال فقر، عمده ترین منبع بی ثباتی در قرقیزستان است. بافت جمعیتی قرقیزستان عمدتاً قرقیز و ازبک است که معمولاً تنشهایی بین این دو قوم به چشم می خورد. در بخش دیگری از کتاب تحت عنوان «ازبکستان مستقل»، نویسنده به بررسی این کشور پرداخته و بر روی این نکته تاکید نموده که وضعیت سیاسی ازبکستان از زمان اعلام استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱، دست نخورده باقی مانده است. در سیستم سیاسی کشور، دیپلماسی پارلمانی هیچ جایگاهی ندارد و در واقع یک نظام استبدادی در کشور حاکم است و نقض آشکار حقوق بشر به طور مستمر در آن جریان دارد.

ازبکستان در میان تمامی کشورهای آسیای مرکزی از پیشرفته ترین اقتصاد برخوردار است. از سال ۱۹۹۱ تا کنون، ساختارهای اقتصادی یا سیاسی این کشور دستخوش تغییرات زیادی نگردیده و در بعد اقتصادی تنها شرکتهای کوچک و متوسط گسترش یافته اند. اصلاحات اقتصادی کلان که از مسائل عمده توسعه ازبکستان می باشد به کرات مطرح گردیده اما هیچگاه تحقق نیافته است.

جمعیت ۲۵ میلیون نفری ازبکستان نیز عموماً از نژاد ازبک است و از تحصیلات و تخصص خوبی برخوردارند و از این نظر یک منبع انسانی عمده ای در این کشور وجود دارد. درآمد سرانه ازبکستان نزدیک به سه هزار دلار می باشد.

در بخش دیگری از کتاب مورد نظر، مقاله ای تحت عنوان «تاجیکستان مستقل» به رشته تحریر در آمده که نویسنده به این نکته اشاره می کند که تاجیکستان، پس از حملات ۱۱ سپتامبر به آمریکا، نقش محوری را در منطقه جهت مبارزه علیه تروریسم بین المللی به طور عموم و رژیم طالبان به طور ویژه در افغانستان به عهده گرفت.

جنگ در افغانستان و ائتلاف تاجیکستان با قدرتهای غربی، موجب تغییر موازنه داخلی قدرت

و به سود رئیس جمهور این کشور پایان یافت.

اقتصاد تاجیکستان از زمان استقلال این کشور همواره بر مبنای ساختاری که هفتاد سال بر شوروی سابق حاکم، بود دنبال دولت تاجیکستان از بدو استقلال تلاش تا اقتصاد ملی را تحت کنترل دولت قرار دهد. سیاست خارجی تاجیکستان بر روی دو محور تاکید داشت که یکی از آنها حفظ ملت و تضمین کمکهای بین المللی جهت حفظ امنیت ملی آن کشور بود.

در این رابطه، تاجیکستان برای برطرف ساختن مشکلات امنیتی خود عمدتاً به روسیه متکی است.

در سال ۱۹۹۹، یک توافق همکاری با روسیه در زمینه چگونگی حضور نیروهای آن کشور در تاجیکستان به امضاء رسید که با هدف تقویت همکاری دوستانه دو کشور صورت پذیرفت.

با این حال جنگ داخلی تاجیکستان، هزینه زیادی را بر این کشور تحمیل نمود که چندین سال طول می کشد تا صدمات و خسارات ناشی از این جنگ جبران شود.

اما آنچه دولت تاجیکستان بدان نیاز دارد انجام اصلاحات اقتصادی در کشور، مبارزه با فساد، ایجاد یک سیاست شفاف اقتصادی و دیگر مسائل است تا بتواند برای زنده و پویا کردن اقتصاد خود سرمایه گذاری خارجی را جذب نماید.

نویسنده در مقاله دیگری در کتاب تحت عنوان تغییرات بنیادی در آسیای مرکزی به این نکته اشاره می کند که بین سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۴، تمامی پنج کشور آسیای مرکزی قوانین اساسی جدیدی برای خود وضع نمودند.

در قزاقستان و قرقیزستان فرآیند تدوین قانون اساسی طولانی تر شد که این امر شاید به سبب بحثهای سیاسی آزاد در این دو کشور بود.

در عمل، اکثر قوانین اساسی مصوب، اختیارات قابل ملاحظه ای را در اختیار قوه مجریه کشور قرار داد و در مورد محدود نمودن قدرت ریاست جمهوری هیچ اقدامی رخ نداد، همچنین در زمینه آزادیهای اجتماعی و دموکراسی در این کشورها اقدام قابل ملاحظه ای در متون قوانین اساسی به عمل نیامد.

نویسنده در مقاله دیگری تحت عنوان «جستجو برای جامعه مدنی در آسیای مرکزی» به این مهم اشاره دارد که اصطلاح «جامعه مدنی» اشاره به جامعه ای است که در آن امکان رقابت وجود داشته باشد.

جامعه مدنی مبتنی بر حاکمیت قانون و آزادیهای فردی است به گونه ای که امکان ایجاد سازمانهای مدنی در آن فراهم آید.

اوضاع سیاسی کشورهای آسیای مرکزی، دستخوش تغییرات چند گانه ای گردیده که شامل تغییرات ملت سازی، دولت سازی، تغییرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. اما پیچیدگی و ابهام این تغییرات ناشی از سه عامل است که عبارتند از: هم زمانی و تقارن، توقعات اولیه و میراث بنیادی. هم زمانی تغییرات در آسیای مرکزی به کم رنگ نمودن این واقعیت انجامید که در جوامع غرب مثلاً، اقتصاد بازار با افزایش دموکراسی و پیدایش جوامع مدنی ارتباط تنگاتنگی داشته است.

توقعات اولیه نیز بستگی به فعالان خارجی و داخلی جامعه مدنی و نیز دولتهای غربی دارد که در این ارتباط دولتهای غربی به دموکراسی های بازار محور متکی بودند. میراثهای اساسی آسیای مرکزی از دوره های اتحاد شوروی سابق به ارث رسیده که در آنها جامعه مدنی و دولتهای دموکراسی وجود نداشته است.

با وجود تعهدات رسمی دولتهای آسیای مرکزی در زمان استقلال خود جهت ایجاد جوامع دموکراسی و نیز وجود فشارهای کشورهای غربی بر این دولتها، تغییرات اقتصادی و سیاسی عمده ای که بر محور دموکراسی و جامعه مدنی باشند، در این کشورها صورت نپذیرفته است.

از سوی دیگر جهت و مسیر تغییرات سیاسی در کشورهای آسیای مرکزی، به طریقی است که نشان می دهد این گونه جوامع، تمایل زیادی به سمت جامعه مدنی (آن گونه که در غرب تعریف گردیده) ندارند.

نگارنده در مقاله دیگری تحت عنوان «استمرار و تغییر در جوامع آسیای مرکزی و قفقاز»، به بررسی رویکردهای روش شناسی برای مطالعه جوامع آسیای مرکزی می پردازد و راههای احتمالی جهت بررسیهای بیشتر را به عنوان پیشنهاد مطرح می کند.

وی معتقد است که مطالعه کشورهای معاصر بر اساس رویکردی باید صورت گیرد که بین «دولت» و «جامعه» تفاوت وجود داشته باشد. برای درک استمرار و تغییر در جوامع آسیای مرکزی پس از اتحاد شوروی، بایستی نه تنها اصلاحات مورد بررسی قرار گیرند، بلکه شیوه‌هایی که این اصلاحات را عملی می سازند نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

در این بخش از کتاب، بر روی ضرورت درک ساختاری نقش موسسه های سیاسی و اجتماعی رسمی و غیررسمی در آسیای مرکزی و قفقاز تاکید گردیده است.

نویسنده در یکی از مقالات کتاب تحت عنوان «ترکمنستان»، به این امر اشاره دارد که مشکل ناشی از نفوذ نخبگان سیاسی وابسته به قبایل و طوایف ساکن در کشورهای آسیای مرکزی، کمتر مورد توجه قرار گرفته، در حالی که نفوذ این قبیل نخبگان در تحولات اجتماعی کشورهای مزبور یک واقعیت انکار ناپذیر است. این فصل از کتاب به خصوصیات و نقش عمده عامل قومی در تحولات این کشور (قبل از استقلال و بعد از استقلال) اختصاص یافته است.

نویسنده مقاله بر روی این نکته نیز تاکید دارد که قدرت اصلی در ترکمنستان، ریشه در برتری قوم و قبیله ای این کشور دارد که بر مبنای ساختاری قبیله ای جامع ترکمن و برتری قبیله ای حاکم بر آن است. به طوری که پیشرفت علمی افراد جامعه نیز تحت تاثیر همین برتری قبیله ای حاکم بر ترکمنستان قرار دارد.

نگارنده در مقاله دیگری از کتاب تحت عنوان «ملت سازی» و استاندارد نمودن زبان در قزاقستان، به این نکته پرداخته که تقریباً هر زبانی متشکل از متغیرهای چند گانه ای است که می تواند به استاندارد نمودن یک زبان برای یک نقطه خاص جغرافیایی یا سیاسی کمک کند.

وی معتقد است که استاندارد شدن زبان در بسیاری از موارد از طریق سیاست و نه زبان شناسی صورت می گیرد. در قانون اساسی قزاقستان که در سال ۱۹۹۳ تصویب شد، زبان روسی به عنوان زبان ارتباطی بین قومی کشور و زبان قزاقی به عنوان تنها زبان دولتی تعریف گردید. بر این اساس استفاده از زبان قزاقی در تمامی مکاتبات الزامی گردید.

در مقاله دیگری از کتاب «تجدید ساختار کشاورزی در قرقیزستان» مورد بحث و بررسی قرار می گیرد و نویسنده به این نکته اشاره می نماید که قرقیزستان از نظر داشتن منابع طبیعی یعنی داشتن زمین های کشاورزی و آب و نیز مهارت های انسانی نسبتاً وضعیت خوبی دارد، به طوری که میانگین سرانه زمین کشاورزی در قرقیزستان مشابه اتحادیه اروپاست که این امر به واسطه وجود خاک مناسب، آب و هوای مطلوب و آبیاری زیاد است.

دولت قرقیزستان در اولین مرحله از تجدید ساختار کشاورزی بر روی خصوصی سازی زمین و اموال تاکید داشت. این روند موجب ایجاد بخش خصوصی کشاورزی شد و نتایج زیر را در برداشت:

- ایجاد مزارع خصوصی از طریق اصلاحات ارضی.

- پایان دادن به دخالت مستقیم دولت در تعیین قیمت و تامین کالاهای کشاورزی

- برداشتن بیشترین محدودیتهای قانونی مربوط به مشارکت بازارهای کشاورزی

- معرفی بازار زمین خصوصی

ثبات شاخصهای اصلی اقتصاد کلان نظیر تورم.

موضوع «گاز و نفت دریای خزر» در یکی از مقالات کتاب مورد بحث قرار گرفته، نویسنده به این مهم اشاره دارد که ذخائر گازی اثبات شده در منطقه خزر حدود ۷ الی ۱۰ درصد مجموع ذخایر جهانی را تشکیل می دهد.

به طور کلی میزان ذخایر نفت و گاز منطقه خزر بیش از ذخایر دریای شمال است و حتی می توان میزان آن را دو برابر ذخایر دریای شمال ذکر کرد. وجود ۴۰ الی ۶۰ میلیارد بشکه نفت در منطقه خزر، بیانگر وجود ۴ الی ۶ درصد ذخایر اثبات شده جهانی در این منطقه است. آینده انرژی منطقه خزر بستگی به تحولات سیاسی این منطقه به ویژه موضوع تقسیم منابع زیردریایی آن دارد.

نویسنده در مقاله ای از کتاب تحت عنوان «چشم اندازهای سیستم ریسک سیاسی جهت سرمایه گذاری شرکتهای نفتی چند ملیتی غربی در آسیای مرکزی»، ابتدا به تعریف ریسک سیاسی پرداخته و سپس به توصیف جنبه های عمده وضعیت ریسک سیاسی در آسیای مرکزی- که بر سرمایه گذاری شرکتهای عمده نفتی غرب تاثیر گذار هستند- پرداخته است.

در درون آسیای مرکزی سه مؤلفه نظام ریسک سیاسی وجود دارد که توجه به آنها ضرورت دارد؛ این سه مؤلفه عبارتند از: دسترسی به بازار، فقدان چانه زنی و ریسک اعتباری. دسترسی به بازار (برای توسعه نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی) الزامی است که در این ارتباط، مسافت زیاد این کشورها با خطوط لوله ای بازار آزاد یکی از مشکلات می باشد.

موضوع فقدان چانه زنی، اشاره به فرآیندی دارد که براساس آن دولتهای منطقه آسیای مرکزی موضوعاتی را در زمینه اکتشاف مواد خام مطرح می کنند. این امر تنها زمانی تحقق خواهد یافت که دولتها جای خود را به سهامداران یعنی بخش خصوصی بدهند.

مقوله ریسک اعتباری به این نکته اشاره دارد که به رشد سازمانهای غیر دولتی و وجود ارتباطات سریع جهانی، فعالیتهای شرکتهای بزرگ در نقاط دوردست و عملکرد اقتصادی آنها بدقت مورد ارزیابی عمومی قرار می گیرد.

لذا برای شرکتهای نفتی فعال در منطقه آسیای مرکزی ریسک اعتباری عمده ای هم در درون کشوری- که مشغول فعالیت هستند- و هم در سطح جهانی، حائز اهمیت است.

نویسنده در فصل دیگری از کتاب، مقاله ای تحت عنوان «کشورهای دریای خزر اتحاد شوروی سابق» را برشته تحریر در آورده و در آن بر روی عملکرد اقتصادی کشورهای صاحب منابع انرژی در دریای خزر نظیر قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان تاکید نموده است.

وی معتقد است تحولات اقتصادی در کشورهای منطقه دریای خزر عمدتاً بستگی به وضعیت بازار جهانی انرژی دارد.

به طوری که میزان تقاضای نفت و گاز در جهان، تعیین کننده میزان سرمایه گذاری در زمینه اکتشاف و تولید در دریای خزر خواهد بود. اینک بزرگترین شرکتهای غربی در زمینه اکتشاف در کشورهای دریای خزر سرمایه گذاری نموده اند و در این ارتباط، کشورهای غربی و سازمانهای چند جانبه تاثیر و نفوذ زیادی در شرکتهای خصوصی نفتی غرب دارند. این گونه پیش بینی می شود که تا سال ۲۰۱۰، منطقه دریای خزر روزانه ۳ میلیون بشکه نفت تولید کند.

نویسنده ای در مقاله دیگری از کتاب به بررسی مدیریت و سیاستگذاری اکوسیستم دریایی منطقه خزر در زمان انتقال انرژی از آن می پردازد و به این مهم اشاره دارد که دریای خزر بزرگترین دریای محصور در خشکی است. محیط این منطقه از دیر باز تحت تاثیر آلودگیهای ناشی از فعالیتهای صنعتی و کشاورزی قرار داشته است. نویسنده در این فصل از کتاب، نویسنده به بررسی تاثیرات فعالیتهای اقتصادی و محیطی این نقطه دریایی پرداخته و معتقد است که دریای خزر به عنوان یک سیستم بسته، مستعد آلودگی است. تعداد ۱۳۰ رودخانه در این دریا جاری هستند که مهمترین آنها «ولگا» است که ۸۰ درصد مجموع جریان آبی دریا را تشکیل می دهد و بیشترین آلودگی صنعتی را به همراه دارد.

در نتیجه، رودخانه های مزبور منبع اصلی آلودگی خزر را تشکیل می دهد. به طوری که میزان ۹۰ درصد آلودگی محیط دریایی ناشی از این رودخانه ها است که میزان باکتری موجود در رودخانه ها ۱۰ برابر میزان مجاز آن است.

نگارنده در مقاله دیگری از کتاب تحت عنوان «مسائل آبی آسیای مرکزی و نقش قوانین بین المللی»، به ذکر کمبود آب در آسیای مرکزی به عنوان مساله ای جدی اشاره دارد.

وی عوامل همچون رشد جمعیت، تکیه بر نیروی برق از طریق منابع آبی در برخی کشورها و وابستگی به آب جهت رشد پنبه و دیگر محصولات کشاورزی را علت اساسی رشد تقاضا برای آب می داند. در این ارتباط، کشورها از آزادی عمل برای مدیریت و میزان آب مورد

نیاز برخوردار هستند.

عمده ترین کمکی که از طریق قوانین بین المللی می توان انتظار داشت، ایجاد یک معیار است که براساس آن منابع آبی، بین کشورهای آسیای میانه توزیع گردد. این بخش از کتاب روی این امر تاکید گردیده که کشورهای منطقه ناگزیرند تا قراردادهای آبی بین یکدیگر منعقد نمایند.

در قسمت دیگری از کتاب، مقاله ای تحت عنوان «اصلاحات نظامی در آسیای مرکزی» به رشته تحریر در آمده که نویسنده در آن بر روی نفوذهای ملی، منطقه ای و بین المللی اشاره دارد. وی معتقد است که در دهه ۱۹۹۰، کشورهای آسیای مرکزی کمتر علاقه ای به انجام اصلاحات اساسی، جهت ایجاد نیروهای نظامی ملی خارج از ساختار نظامی اتحاد شوروی داشتند، همچنین علاقه چندانی به تدوین یک چارچوب منطقه ای جهت همکاریهای نظامی منطقه ای از خود نشان نمی دادند.

اما در پایان دهه ۱۹۹۰، کشورهای آسیای مرکزی به بررسی نیازهای دفاعی ملی و منافع ناشی از همکاریهای سیاسی امنیتی و نظامی منطقه ای پرداختند. در همین رابطه ازبکستان به تجدید ساختار نظامی خود پرداخت و دکتترین جدید نظامی آن کشور در فوریه سال ۲۰۰۰ به تصویب شورای امنیت ملی ازبکستان رسید که هدف از آن تقویت نیروهای نظامی و شبه نظامی این کشور جهت پاسخگویی به تهدیدات بود. قزاقستان نیز در همان سال مبادرت به تدوین دکتترین نظامی جدید خود نمود و کشورهای ترکیه و ایالات متحده آمریکا به فراهم آوردن کمک نظامی برای قزاقستان و ازبکستان اهتمام ورزیدند.

نگارنده در فصل دیگری از کتاب، تحت عنوان «برخی خصوصیات جغرافیایی آسیای مرکزی در گذشته و حال» به این مهم اشاره می کند که درک خصوصیات جغرافیایی کشورهای آسیای مرکزی منوط به درک ویژگیهای ویژه جغرافیای تاریخی و سیاسی این منطقه دارد. قانونی کردن فضای جغرافیایی سیاسی منطقه پس از فروپاشی اتحاد شوروی در برخی از موارد، استمرار همان بی توجهی به جنبه های جغرافیای تاریخی سیاسی منطقه را در پی دارد.

با ورود به قرن بیست و یکم، اهمیت منطقه آسیای مرکزی بسیار آشکارتر می گردد. ایالت متحده آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، بازیگر اصلی منطقه شد، به طوری که مبادرت به ایجاد پایگاههای نظامی در ازبکستان و قرقیزستان نمود. با این اقدام، آمریکایی ها موفق به کنترل کانون و مرکز منطقه شدند. کشورهای منطقه برای مقابله با تهدیدات، بایستی

خصوصیات جغرافیایی و ژئوپلیتیکی منطقه به ویژه ماهیت مرزهای بین کشورها را در نظر داشته باشند. خصوصیات جغرافیایی منطقه مشخص کننده نوع امنیتی است که باید در مورد آن اعمال شود.

در آخرین فصل کتاب، نویسنده مقاله تحت عنوان «مانورهای اروپایی آسیایی» به این نکته اشاره می کند که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مناطق اروپایی آسیایی و به ویژه آسیای مرکزی به میدان رقابت ژئواستراتژیکی جهانی تبدیل گردیدند.

تمامی قدرتهای بزرگ در منطقه اروپایی - آسیایی نظیر روسیه چین و آمریکا خواهان ثبات در منطقه هستند، اما برداشت هر کدام از آنها از موضوع «ثبات» متفاوت است.

نویسنده مقاله معتقد است که در حدی باید مانع اعاده قدرت روسیه شد که بتواند بر این منطقه تسلط یابد. همکاریهای آمریکا و روسیه در منطقه که در قالب مقابله با تروریسم صورت می گیرد در واقع اقدامی است که از سوی آمریکا و برای جلوگیری از شکل گیری یک ائتلاف سه جانبه بین روسیه، هند و چین که می تواند مشارکت راهبردی را تشکیل دهد، صورت می گیرد.

یکی از عمده ترین تحولات در این ارتباط، تلاشهای آمریکا برای برقراری روابط راهبردی نزدیکتر با هند است که تحقق یافتن چنین سیاستی از اهمیت جهانی برخوردار است.

آنچه قابل درک است این نکته می باشد که تشکیل ائتلاف جهانی برای مبارزه با تروریسم باعث نفوذهای اقتصادی و سیاسی در برخی کشورهای دیگر شده است.

با این حال، وجود تحولات منطقه اروپایی - آسیایی و تقویت روابط راهبردی هند - آمریکا و نیز رشد تماسهای هند و ژاپن و حضور نیروهای امریکایی در کره جنوبی و ژاپن نیز می تواند موجب نگرانی چین شود، در حدی که احساس کند محاصره شده است.

کتاب «نفث، انتقال امنیت در آسیای مرکزی» مشتمل بر چهار بخش و بیست فصل به شرح زیر می باشد:

- بخش اول : بررسی کشورها

۱. ترکمنستان مستقل
۲. قزاقستان مستقل
۳. قرقیزستان مستقل
۴. ازبکستان مستقل
۵. تاجیکستان مستقل

- بخش دوم: سیاست و جامعه

۶. تغییر قانون اساسی در کشورهای آسیای مرکزی
۷. در جستجوی جامعه مدنی در آسیای مرکزی
۸. استمرار و تغییر در جوامع آسیای مرکزی و قفقاز
۹. ترکمنستان: نخبگان سیاسی در جامعه قومی
۱۰. کشورسازی و استاندارد نمودن زبان در قزاقستان
۱۱. تجدید ساختار کشاورزی در قرقیزستان

- بخش سوم: دریای خزر: نفت، خطوط لوله و محیط زیست

۱۲. نفت و گاز منطقه خزر
۱۳. چشم اندازهای سامانه ریسک سیاسی برای سرمایه گذاری شرکتهای نفتی چند ملیتی غربی
۱۴. کشورهای وابسته به اتحاد شوروی سابق واقع در منطقه خزر
۱۵. دریای خزر: مدیریت و سیاسی نمودن اکوسیستم دریایی در زمان انتقالی.
۱۶. مشکلات آبی آسیای مرکزی: نقش قوانین بین المللی

- بخش چهارم: امنیت و ژئوپلیتیک

۱۷. اصلاحات نظامی آسیای مرکزی: نفوذهای ملی، منطقه‌ای و بین المللی
۱۸. منافع ملی روسیه و ایران و سیاستهای آنها در منطقه ژئوپلیتیکی خزر
۱۹. برخی ویژگیهای ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی در گذشته و حال.
۲۰. مانورهای اروپایی - آسیایی